

دانش بومی جوامع بومی محلی استان خراسان شمالی

* حمیدرضا سوداگر

** روح الله لایق

*** حمیده رضایی

چکیده

قدرت‌بخشی به جامعه محلی از طریق بومی‌سازی و بر پایه دانش بومی یکی از گفتمان‌هایی است که در عرصه پارادایم‌های جدید توسعه مطرح و مورد توجه زیادی قرار گرفته است. بومی‌سازی در ارتباط با برخورد جامعه با روند دگرگونی از سستی به مدرن و نحوه برخورد یا تعامل جامعه درون مدار با جامعه بیرونی مفهوم پیدا می‌کند. روش تحقیق پژوهش توصیفی - تحلیلی است که با بررسی منابع، مقالات و مطالعات کتابخانه‌ای و با ابزار فیش‌برداری انجام شده است. به ودیعه گرفتن روش‌ها و تجارب دیگران بدون در نظر گرفتن تفاوت‌های بین جوامع، فرهنگ‌ها و فضاها نمی‌تواند منجر به توسعه پایا و بادوامی در این جوامع شود. تجربه روشن ساخته است که بسیاری از تکنیک‌ها و روش‌های سستی در عرصه تولید، فرهنگ و اجتماع در جامعه محلی بومی به دلیل سازگاری و تطابق با زیست بوم این جوامع همان روش‌هایی هستند که امروزه معرف روش‌های رسیدن به توسعه پایدار می‌باشند. بنابراین یکی از راه‌حل‌های توسعه پایدار استفاده از دانش بومی بر اساس تجربه است که غالباً در طول زمان آزموده شده و با فرهنگ محلی و محیط زیست سازگار گردیده و لذا پویایی و کارایی لازم را کسب نموده است. در این مقاله به بررسی روش‌های سستی (برف اندیل، موسیقی اصیل، سیاه چادر، طبیعت درمانی) که در جوامع بومی محلی استان خراسان شمالی بکار گرفته می‌شود خواهیم پرداخت.

کلمات کلیدی: دانش سستی، جوامع بومی محلی، برف اندیل.

* گروه مدیریت آموزشی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی، گرگان، ایران hamidreza.sodagar@yahoo.com

** دانشجوی کارشناسی ارشد حفاظت و مدیریت زیست محیطی، دانشگاه حکیم سبزواری، سبزوار، ایران

rlayegh220@gmail.com

*** کارشناسی ارشد رشته جغرافیا و برنامه ریزی شهری، دانشگاه آزاد شیروان، شیروان، ایران.

hamidehrezaei774@gmail.com

۱-مقدمه

واژه دانش بومی برای نخستین بار توسط گیرتز در سال ۱۹۸۳ مطرح شده است. به اعتقاد وی دانش بومی، دانش خاصی است که به شدت در موقعیت و بافت خاصی ریشه داشته و رشد کرده است. این دانش شامل مجموعه‌ای از باورها، روش‌ها، ساز و کارها و شیوه‌های ساماندهی امور مختلف زندگی مردم است که طی اعصار گذشته شکل گرفته است و طی نسل‌ها و قرن‌ها از تعامل و ارتباط بومیان با محیط اطرافشان بوجود آمده است؛ سپس بر اثر استفاده مکرر و اندوختن تجربیات فراوان در زمینه درست یا نادرست بودن آن، به صورت مجموعه‌ای از روش‌ها و شیوه‌های گوناگون ارتباط بهینه با محیط در آمده است. در واقع دانش بومی بخشی از سرمایه ملی هر قوم است که باورها، ارزش‌ها و آگاهی‌های محلی آنان را در بر می‌گیرد و حاصل قرن‌ها آزمون و خطا در محیط طبیعی است که غالباً به صورت شفاهی سینه‌به‌سینه از نسلی به نسل بعد منتقل می‌شود (بوزرجمهری و همکاران، ۱۳۹۶: ۹۵).

ویلیامز و موچنا به نقل از مک کلور دانش بومی را از منظر (شناخت‌شناسی اینگونه معرفی کرده‌اند: دانش بومی شیوه‌های یادگیری، فهم و نگرش به جهان است که نتیجه سال‌ها تجربه و مشکل‌گشایی بر اساس آزمون و خطا و بوسیله گروهی از مردم در حال فعالیت است که منابع در دسترس را در محیط خود به کار برده و تجربه کرده‌اند. در واقع دانش بومی قابل دسترس، ارزان، کارآمد، شفاهی، پویا، زمان آزموده و سازگار با محیط و طبیعت است و قرین با فرهنگ هر منطقه تعریف می‌گردد. با توجه به تعاریف گوناگون از دانش بومی می‌توان چنین گفت که این دانش، سازگاری و برقراری رابطه معقول بین انسان و محیط زیست را نشان می‌دهند و از این منظر با اصول توسعه پایدار بومی هماهنگی دارند (برزگر و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۰۲).

دانش بومی مردمی است. در حالی که تاکید دانش رسمی بر صرفه‌جویی در وقت و حذف نفرت و نیز انحصار دانش در دانشگاه‌ها و موسسات تحقیقاتی است. دانش بومی پذیرا، مشوق نیازمند به مشارکت هر چه بیشتر مردم در یادگیری، اشاعه و

افزودن به آن است. به علاوه در فرهنگ‌های شفاهی علم را از عالم نمی‌توان جدا کرد و در کتاب یا رایانه گنجانند. در دانش بومی تک تک افراد مهم هستند. دانش بومی به سرعت در حال نابودی است. با مرگ هر پیر بومی گنجینه عظیمی از دانش بومی از میان می‌رود (عربیون، ۱۳۸۵: ۹۶).

دانش بومی برخاسته از متن جوامع بشری است که به تدریج در طول سالیان دراز به شکل شفاهی سینه به سینه و به شیوه‌های گوناگون از نسلی به نسل دیگر منتقل شده و حاصل تجربه‌ها و آزمون و خطاهایی است که به صورت طبیعی بوجود آمده است. دانش بومی بسیار آهسته جمع می‌شود، اما آنچه بدست می‌آید در طول زمان بارها آزمایش شده است. چنین دانشی شامل مشاهدات زیرکانه و دقیق در مورد گیاهان، حیوانات، آب و هوا، خاک، آفات نباتی و نظام‌های طبقه‌بندی شده است که کاملاً با اوضاع و احوال محلی مطابقت دارند.

در دانش بومی، واژه (بومی) وجود دارد که نشانه محلی و سنتی بودن آن است که این دانش را از همه معلومات دانشگاهی و همچنین مراکز تحقیقاتی جدا می‌کند. دانش بومی خاص یک منطقه است، به بیان دیگر دانش بومی با توجه به فرهنگ‌های متفاوت در مناطق مختلف، به شکل‌های متفاوت بوجود می‌آید. بنابراین فرهنگ مردم در هر منطقه در دانش سنتی و بومی آن نقش دارد. در حال حاضر حجم و میزان کارایی این گنجینه عظیم علمی و تجربی آشکار نیست؛ چرا که مخزن اصلی این دانش سینه ریش‌سفیدان و گیس‌سفیدان عشایری و روستائینان است که تنها پس از فوت سالمندان و خالی شدن عرصه از هنر و فن و دانش آنان ابعاد خسارت وارده معلوم می‌شود (بارانی و شهرکی، ۱۳۹۳: ۱۵۲).

برای دستیابی به توسعه پایدار توجه مجدد به نظام‌های دانش سنتی مستتر است، با این اعتقاد که این نظام‌ها ممکن است مبنایی برای ایجاد راهبردهای توسعه پایدار باشند، چرا که آن‌ها کار را از جایی آغاز می‌کنند که مردم در آن قرار دارند، نه از جایی که مایل هستند مردم در آنجا قرار داشته باشند. نظام‌های دانش فنی اگر به درستی بیان

گردند، مبنایی برای افزایش بهره‌وری، ایجاد راهبردهای معیشتی کارآمدتر و تشویق ترتیبات جایگزین خواهد بود. به این دلیل که دهقانان، عشایر، بومیان و زنان برای قرن‌ها هماهنگ با طبیعت بقای خود را حفظ کرده‌اند، آن‌ها آشکارا راهبردهای قابل تنظیمی بوجود آورده‌اند که لازم است بازیابی گردیده و به عنوان مبنایی برای برنامه‌ریزی آینده بکار گرفته شود (افشارزاده و پاپ زن، ۱۳۹۰: ۱۱۷).

پژوهش‌های مختلفی در خصوص دانش سنتی توسط محققان انجام گرفته است که برای نمونه به مواردی اشاره می‌نماییم:

پژوهش یوسفی و وثوقی در سال ۱۳۹۲ با موضوع دانش بومی استفاده از جنگل و مرتع در شهرستان رستم نشان داد که در منطقه مورد مطالعه از یک سو، با توجه به نظریه نوسازی مبنی بر مابینت دانش بومی و توسعه، دانش بومی در دوران‌هایی که حاکمیت داشته، نه تنها مابینتی با آن نداشته و به عنوان یک مانع به حساب نمی‌آمده است؛ بلکه از پایداری در توسعه نیز برخوردار بوده است. از سوی دیگر برنامه‌های مربوط به نوسازی که در کشور ما نمودش در اصلاحات ارضی بود، موجب تغییرات اساسی در ساختارهای جامعه مورد مطالعه و نیز تقسیم کار کنشگران بهره‌بردار و قشریندی آنان گردیده است و در پی آن، با تغییر جامعه و سبک زندگی در این جامعه، بهره‌برداری از دانش بومی نیز رو به ضعف رفته و در حال حاضر، این دانش روبه زوال است.

پژوهش ابوئی در سال ۱۳۹۱ با موضوع نقش و اهمیت دانش بومی در توسعه پایدار کشاورزی و حفاظت از محیط زیست نشان داد که روستاییان با تجارب ارزنده خویش و با تعامل با طبیعت بجای تقابل با طبیعت ضمن پایداری توسعه، در حفاظت از محیط زیست نقش مهمی را ایفا نموده‌اند و دانش امروزی که از علوم و تکنولوژی جدید بهره‌مند است به دلیل عدم توجه به دانش بومی و با تفکر جایگزینی دانش جدید بر دانش بومی تاثیرات نامطلوبی بر محیط زیست بجای گزارده است. در پایان این نتیجه حاصل گردید که دانش بومی و دانش رسمی (دانشگاهی) می‌توانند مکمل یکدیگر

باشند. توجه متخصصین علوم کشاورزی به دانش بومی و مبنا قرار دادن آن و تلفیق آن با دانش رسمی به عنوان بهترین راه حل در توسعه پایدار و حفاظت از محیط زیست پیشنهاد می‌گردد.

تحقیقات وثوقی و همکاران در سال ۱۳۹۳ با موضوع ضرورت توجه به دانش بومی در برنامه‌های توسعه روستایی با تاکید بر توسعه مشارکتی نشان داد که ضرورت مشارکت بومیان، استفاده از فناوری بومی را اجتناب ناپذیر می‌نماید و بهترین شیوه برای موفقیت برنامه‌های توسعه روستایی بکارگیری علم و دانش، مهارت و دخالت روستاییان و در کلیه مراحل طراحی، برنامه‌ریزی نظارت، اجرا و ارزیابی طرح‌ها است به گونه‌ای که در آن‌ها احساس مسئولیت برانگیخته شده و خود را عامل ترقی و پیشرفت محیطی بدانند که در آن سکنی گزیده‌اند.

مروری بر رهیافت‌ها نشان می‌دهد که روی آوردن به دانش بومی، برای کمک به دانش رسمی ضروری است. زیرا حضور خبرگان محلی در کنار متخصصان و بهره‌گیری از آن‌ها حائز اهمیت است. تلفیق و یکپارچه‌سازی دانش روستاییان و دانش رسمی از نظر قدرت و ضعف مکمل یکدیگرند و از ترکیب این دو می‌توان به نتایج مثبتی دست یافت. صاحب‌نظران توسعه به این نتیجه رسیده‌اند که برای جلوگیری جدی از تبعات زیان بار توسعه صنعتی، بهره‌برداری مقطعی و یا دستکاری‌های موردی در نظام توسعه صنعتی کافی نیست، پس تلاش گسترده‌ای برای بهره‌برداری فرهنگی و اجتماعی از یافته‌های دانش بومی آغاز گشته است. این مقاله درصدد است نسبت به معرفی دانش‌های بومی جوامع بومی محلی و عشایر خراسان شمالی اقدام نماید.

۲- مواد و روش‌ها

روش این تحقیق از نوع مروری و از گونه توصیفی-تحلیلی است و با ابزار فیش‌برداری ابتدا داده‌های لازم گردآوری می‌شود و سپس به تفسیر داده‌ها پرداخته می‌شود. در مرحله بعد، داده‌های گردآوری شده طبقه‌بندی و خلاصه می‌شوند. بر این اساس، کلیه کتاب‌ها، مدارک، اسناد، پایگاه‌ها، مقاله‌ها و پژوهش‌های در دسترس

پژوهشگر که به بررسی موضوع پژوهش پرداخته‌اند، مورد مطالعه قرار گرفته و از آن‌ها فیش‌برداری می‌شود و نهایتاً مورد سازماندهی و تفسیر و تبیین قرار می‌گیرد.

۳- یافته‌ها

استان خراسان شمالی به دلیل برخورداری از تنوع قومی با فرهنگ‌های خاص، به «گنجینه فرهنگ‌ها» شهرت یافته است. بر اساس نتایج سرشماری رسمی سال ۱۳۹۰، اطلاعات موجود در اسناد سجلی اداره کل ثبت احوال، فرهنگ جغرافیایی آبادی‌ها، فرهنگ آبادی‌ها و مکان‌های مذهبی و بررسی میدانی جمعیت‌شناسانه، اکثر ملت در سطح آبادی‌های استان خراسان شمالی گُرمانج هستند. این قوم با جمعیتی حدود ۲۴۶۸۷۴ نفر، ۵۸/۹۲ درصد از کل جمعیت آبادی‌های استان را به خود اختصاص می‌دهد و در ۵۲۰ آبادی از مجموع ۸۳۵ آبادی دارای سکنه استان با لهجه گُرمانجی تکلم می‌شود. پس از گُرمانج‌ها، ترک‌ها فراوانی بیشتری دارند. ترک‌ها با جمعیتی حدود ۹۲۶۱۰ نفر، ۲۲/۱ درصد از کل جمعیت روستاهای استان را به خود اختصاص می‌دهند و در ۱۶۷ آبادی استان به زبان ترکی تکلم می‌شود. ترکمن‌ها با ۳۳۱۶۱ نفر و حدود ۷/۹۱ درصد، سومین گروه قومی خراسان شمالی را تشکیل می‌دهند و در ۷۸ روستا از خراسان شمالی به زبان ترکمنی صحبت می‌شود. تات‌ها که جزء نخستین اقوام ساکن در استان پس از ورود آریایی‌ها هستند، با ۳۳۱۳۳ نفر و ۷/۹ درصد در رتبه‌ی چهارم قرار دارند و در ۷۸ آبادی با زبان تاتی صحبت می‌شود؛ و بلوچ‌ها با ۰/۵۶ درصد در مرتبه‌ی بعدی قرار دارند.

بر اساس نتایج سرشماری رسمی سال ۱۳۹۰، اکثریت قریب به اتفاق ملت در استان خراسان شمالی (۹۹/۶٪) مسلمان‌اند که در مناطق روستایی درصد مسلمانان به ۱۰۰ درصد می‌رسد (مرکز آمار ایران). حدود ۹۱/۵ درصد از مسلمانان نقاط روستایی استان شیعه جعفری‌اند که مذهب گُرمانج‌ها، ترک‌ها، تات‌ها، فارس‌ها و بربرها بوده و بیش از ۸/۴۷ درصد از شاخه‌ی حنفی اهل سنت‌اند که مذهب ترکمن‌ها و بلوچ‌ها می‌باشد.

با توجه به اینکه بیش از ۲۴ روستا در حاشیه مناطق حفاظت شده و پارک‌های ملی این استان واقع می‌باشد، اهمیت جوامع بومی محلی در حفاظت از این گنجینه‌های طبیعی دوجندان می‌گردد. در جدول ذیل مشخصات روستاهای حاشیه مناطق تحت مدیریت به تفکیک بیان گردیده است:

جدول شماره ۱. مشخصات روستاهای حاشیه مناطق تحت مدیریت

ردیف	نام روستا	حاشیه منطقه	وسعت به هکتار(حاشیه منطقه)	شهرستان
۱	سارمران	پارک ملی سالوک	۱۷۲	اسفراین
۲	چهاربرج	پارک ملی سالوک	۲۰۲	اسفراین
۳	زاری	پارک ملی سالوک	۲۷	اسفراین
۴	توی	پارک ملی سالوک	۳۱۵	اسفراین
۵	دهنه اجاق	پارک ملی ساریگل	۱۸۴	اسفراین
۶	نصرآباد	پارک ملی ساریگل	۳۰	اسفراین
۷	ایزی	پارک ملی ساریگل	۲۰۰	اسفراین
۸	پرکانلو	پارک ملی ساریگل	۲۰۰	اسفراین
۹	گنجدان	پارک ملی ساریگل	۸۰	اسفراین
۱۰	قلعه سفید، بیدواز، اردوغان	پارک ملی ساریگل	۵۲۰	اسفراین
۱۱	سرانی	منطقه حفاظت شده گلیل سرانی	۹۵	شیروان
۱۲	سرخ چشمه	پناهگاه حیات وحش	۱۴	جاجرم

		میانداشت		
آشخانه	۱۴۵	منطقه حفاظت شده قرخود	چمن بید	۱۳
آشخانه	۴۷	منطقه حفاظت شده قرخود	باش کلاته	۱۴
آشخانه	۱۰۲	منطقه حفاظت شده قرخود	اسپاخو	۱۵
آشخانه	۳۰۰	منطقه حفاظت شده قرخود	رباط قریبل	۱۶
آشخانه	۲۰۰	منطقه حفاظت شده قرخود	کاستان	۱۷
آشخانه	۲۲۰	منطقه حفاظت شده قرخود	زرد	۱۸
آشخانه	۸۵	منطقه حفاظت شده قرخود	کلاته قمو	۱۹
آشخانه	۴۷	منطقه حفاظت شده قرخود	کلاته قشی	۲۰

جوامع محلی حاشیه مناطق حفاظت شده و عشایر به شیوه‌های سنتی ذیل توانسته‌اند تقابل بین محیط زیست و تکنولوژی را حل نموده و با محیط زیست سازگاری یابند.

۱.۳ آوازاها و موسیقی‌های استان:

استان خراسان شمالی گنجینه‌ای از فرهنگ‌هاست و با توجه به حضور فرهنگ‌های مختلف در این خطه، موسیقی آن نیز تنوعی خاص دارد. موسیقی محلی، بخش عمده‌ای از موسیقی هر کشور و فرهنگی را شامل می‌شود و ریشه‌ای کهن در میان مردم دارد. چرا که این نوع موسیقی حتی در دوره‌های مختلف با وجود افت و خیزهای تاریخی باز هم سینه به سینه و نسل به نسل منتقل شده است. در این اشعار میهن دوستی، طبیعت‌گرایی، مهربانی و همدلی و حرمت نهادن به زن و زندگی از دیگر نمادها پررنگ‌تر است.

آوازاها و موسیقی‌های استان خراسان شمالی به عنوان یک دانش سنتی از نسلی به نسل دیگر انتقال یافته است. کردها از مرزبانان غیور ایران و استان بوده و پاسداری از مرز و بوم در مقابل اقوام مهاجم، کشتارها، غارت‌ها، اسارتها و آوارگی‌ها از ویژگی‌های زندگی آن‌ها بوده است. چگونگی زندگی کردها باعث شده تا موسیقی این خطه دارای پشتوانه‌ای از رزم و سوگ باشد. موسیقی کردی به دو نوع کوهپایه و دشت تقسیم می‌شود که در این بین موسیقی کوهپایه همراه با فریاد بوده و قوی‌تر و رساتر است و موسیقی دشت، معمولا ملایم‌تر است. عاشق‌ها، بخشی‌ها، لوطی‌ها، نی نوازان و لولوچی‌ها از نوازندگان استان‌اند که مهم‌ترین آن‌ها عاشق‌ها هستند که با سازهایی چون سورنا، دهل، قوشمه، کمانچه و دایره، حرکات موزون (رقص‌های اصیل کردی) را اجرا می‌کنند.

رقص کرمانجی بیان‌کننده حالات خاص از رزم، کار، آداب و سنن قوم کرمانج است که تنوع حالات و زیبایی حرکات موزون آن در دنیا بی‌نظیر است و بارها در جشنواره‌ها بهترین مقام‌های بین‌المللی را کسب کرده‌اند.



تصویر شماره ۱. موسیقی کردی اصیل خراسان شمالی به عنوان یک دانش سنتی

۳.۲ برف اندیل:

ارتفاعات کپه داغ واقع در منطقه حفاظت شده در گلیل سرانی و ذخیره گاه زیست کره کپه داغ، با داشتن زمستان‌های پربرف و تابستان‌های گرم و خشک در برگیرنده مراتعی می‌باشد که در اواخر فصل بهار تا اواسط تابستان علوقه نسبتاً زیادی در اختیار دامداران می‌گذارد. در صورتیکه در همین فصول در این مناطق آب مورد نیاز برای انسان و دام در اختیار نیست. عشایر کوچرو کرمانج که تابستان خود را در این مناطق می‌گذرانند شیوه خلاقانه و تحسین برانگیزی را با نام برف اندیل جهت تامین آب خانوار و دام خود در زمان اطراق خود در بیلاق ابداع کرده‌اند. برف اندیل یک شیوه مدیریت عرفی آب است که در آن، عشایر ساکن در منطقه روی برف انباشته شده در سایه صخره‌ها را پیش از شروع گرمای تابستان با گیاهان مرتعی و خاک برای جلوگیری از ذوب سریع آن بر اثر تابش آفتاب می‌پوشانند. پس از ورود به بیلاق با تعبیه یک ورودی و همچنین مجرای انتقال آب به یک منبع و آبشخور دام، به تدریج برف انباشته را خارج کرده و پس از آب شدن استفاده می‌کنند. از سوی دیگر به دلیل تعارضات موجود بین دولت و جامعه محلی و اعمال جریمه‌های سنگین برای بوت‌ه کنی از مراتع، این میراث با ارزش بشری که قدمتی به درازای تاریخ این سرزمین دارد در ورطه نابودی و فراموشی قرار گرفته و تنها تعداد اندکی از آن‌ها باقیمانده و به همین دلیل عشایر بهره بردار مجبور به ترک قلمرو آباء و اجدادی خود گردیده‌اند. این در حالی است که مراتع حاشیه برف اندیل‌ها همواره از غنی‌ترین مراتع کپه داغ به شمار می‌رفته‌اند.

تعداد برف اندیل‌های موجود در منطقه گلیل سرانی ۵ مورد است که مهم‌ترین آن‌ها عبارتند از: زیدانلو، کاووسی، علم و... می‌باشد.



تصویر شماره ۲. نمونه‌ای از برف اندیل‌های منطقه حفاظت شده گلیل سرانی در شهرستان شیروان خراسان شمالی

۳.۳ سیاه چادر: سیاه چادر دست بافته‌ای بسیار ساده با موی بز است که در سقف و دیوارهای چادر عشایر کاربرد دارد، ماده اولیه و مهم مورد نیاز برای بافت سیاه چادر موی بز است که از رنگ سیاه زاغ آن استفاده می‌شود. سیاه چادر بافی هنر و صنعتی ارزشمند با سابقه‌ای نزدیک به قدمت زندگی عشایری و کوچ نشینی است که به علت گسترش چادرهای برزنتی امروزه در اغلب مناطق عشایری به فراموشی سپرده شده است. سیاه چادرها به دلیل داشتن منفذ، بر خلاف چادرهای برزنتی که در فصل

تابستان هوای داخل آن بسیار گرم است، به طور طبیعی از نوعی تهویه مطبوع برخوردارند و در فصول سرد نیز از چادرهای برزنتی بمراتب گرم‌تر هستند. فواید استفاده از سیاه چادر:

(۱) آب و برف از آن سر می‌خورند و به درون آن نفوذ نمی‌کنند.

(۲) در برابر آب و هوا عایق خوبی است.

(۳) موی بز دوام بیشتری نسبت به پشم و الیاف دارد.

(۴) قابل راه اندازی آسان.

تصویر شماره ۳. نمونه‌ای از سیاه چادر مورد استفاده عشایر



۳.۴ یخچال طبیعی مردم عشایر:

مردم عشایر و محلی همجوار مناطق حفاظت شده جهت خنک نگهداشتن آب روی ظروف حمل آب پوششی از گیاه کنف یا گون قرار می‌دادند و همچنین مواد فاسد شدنی را در گودال‌هایی که با گیاهان کنف پوشیده شده است قرار می‌دادند.

۳.۵ طبیعت درمانی:

با توجه به دوری محل اسکان عشایر تا شهرها آن‌ها از گیاهان دارویی به عنوان مرهم، دارو و چاشنی غذا استفاده می‌نمایند. مثلاً از گیاه کاکوتی (آنخ) به عنوان دمنوش درمانی و چاشنی غذا استفاده می‌نمایند.

۴. نتیجه گیری

بدون شناخت دانش مردم بومی، نقش و جایگاه آن و حفاظت دانش و حقوق مردم بومی توسعه پایدار نمی‌تواند موفق شود. چرا که دانش بومی بیشترین سازگاری با اصول توسعه پایدار را دارد. امروزه در پست مدرنیسم نیز به جای وحدت بر کثرت تاکید می‌شود. سمت‌گیری پست‌مدرنیسم به سوی کثرت، که بر تفاوت‌ها و ناهماهنگی‌ها بسیار ارجح می‌نهد در راستای توجه به تنوع دانش‌های بومی در سراسر جهان است. در شناسایی دانش بومی به فرهنگ‌های مختلف و ویژگی‌های آن‌ها توجه می‌شود و فرهنگی خاص مورد تاکید قرار نمی‌گیرد. دانش بومی در ترکیب با دانش رسمی به منظور به روز شدن و سازگاری با شرایط نوین می‌تواند راهی مناسب برای توسعه پایدار محلی، منطقه‌ای و ملی است که با اختیار دادن به جوامع محلی، فرایند مشارکت مردم بومی در فرایند توسعه به عنوان اصل اساسی پایداری توسعه نیز فراهم می‌شود.

فهرست منابع

- ابوئی، فخرالدین (۱۳۹۱). نقش و اهمیت دانش بومی در توسعه پایدار کشاورزی و حفاظت از محیط زیست، همایش ملی محیط زیست و تولیدات گیاهی.
- افشارزاده، نشمیل، پاب زن، عبدالحمید (۱۳۹۰). دانش بومی زنان در فرآیند توسعه پایدار کشاورزی، زن در توسعه و سیاست، دوره ۴، شماره ۹، ۱۳۳-۱۱۵.
- بارانی، حسین، شهرکی، محمدرضا (۱۳۹۳)، فرهنگ و دانش عامیانه، دو فصلنامه دانش‌های بومی/ایران، شماره ۱، ۱۸۰-۱۵۰.
- برزگر، مریم، قربانی، مهدی، حسن زاده، علیرضا، حسینی گریز، عبدالواحد (۱۳۹۷)، تحلیل دانش بومی و ابتکارات محلی سازگار در مدیریت منابع آب، پژوهش‌های انسان‌شناسی ایران، دوره ۸، شماره ۲، ۹۹-۱۲۱.
- بوزرجمهری، خدیجه، معصومی جشنی، مهدی، جهانتیغ، حسنعلی (۱۳۹۶)، بررسی نقش دانش بومی و سنت‌های محلی زنان در تولید و مدیریت فرآورده‌های دامی، دو فصلنامه دانش‌های بومی/ایران، سال چهارم، شماره شش، ۹۲-۱۲۰.

- عربیون، ابوالقاسم (۱۳۸۵)، دانش بومی: ضرورتی در فرآیند توسعه و ترویج، فصلنامه توسعه و روستا، شماره ۱، ۸۲-۱۳۶.
- وثوقی، منصور، فریدی ثانی، معصومه (۱۳۹۲). دانش بومی استفاده از جنگل و مرتع در شهرستان رستم، مطالعات جامعه‌شناسی دوره ۱۹، شماره ۶، ۷۱-۸۹.
- وثوقی، منصور، حبیبی، سونا، حسن‌زاده طلوتی، زینب (۱۳۹۳). ضرورت توجه به دانش بومی در برنامه‌های توسعه روستایی با تاکید بر توسعه مشارکتی، فصلنامه تخصصی علوم اجتماعی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد شوشتر، دوره ۸، شماره ۲۶، ۳۳-۵۶.